



سیره رسول الله و امیرالمؤمنین منابع گرانمایی برای مدیریت اسلامی

حضرت رسول (ص) در مدینه حکومت تشکیل می دهند، امیر المؤمنین (ع) هم حکومت داشتند و سیره رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) منابعی ارزشمند و بسیار گرانمایی برای تولید در حوزه مدیریت اسلامی است.

حضرت رسول (ص) در مدینه حکومت تشکیل می دهند، امیر المؤمنین (ع) هم حکومت داشتند و سیره رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) منابعی ارزشمند و بسیار گرانمایی برای تولید در حوزه مدیریت اسلامی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «نقطه های آغاز در مدیریت اسلامی» به نویسندگی علیرضا چیت ساریان و مرتضی جوانعلی آذر تلاشی است تا مروری جامع در گستره رویکردها و نیز زمینه های موجود در حوزه مدیریت اسلامی داشته باشد. لذا برای این هدف پس از مرور و بررسی دیدگاه های مختلف و آشنایی با رویکردهای موجود، سعی شد تا یکی از صاحب نظران آن زمینه یا رویکرد انتخاب شده و با انجام مصاحبه و در مواردی با درخواست مقاله، مهمترین مباحث موجود در آن زمینه یا دیدگاه را ارائه نمایند تا بتوانیم به فضل الهی گستره متنوعی از دیدگاهها و روش شناسی ها را به صورت مدون و جامع بیان کنیم.

گفتگوی علیرضا چیت ساریان عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) درباره کتاب «نقطه های آغازین در مدیریت اسلامی» در ادامه می آید:

*آقای دکتر در ابتدا، کتاب تان را معرفی کنید که شامل چه مباحثی است؟

بحمدالله تاکنون در حوزه مدیریت اسلامی، آثار و کتب زیادی نگاشته شده است و طیف وسیعی از اندیشمندان و نخبگان حوزوی و اساتید و صاحب نظران دانشگاهی در این حوزه دیدگاه های مختلفی را بیان کرده اند. چه در حوزه مفهوم پردازی مدیریت اسلامی و چه در زمینه روش شناسی های تحقیق در آن، رویکردها و دیدگاه های مختلفی ارائه شده است. این گستره و تنوع موضوعی و روشی موجود از یک طرف فرصت متنوع و زیادی را برای ما ایجاد می کند و از طرفی دیگر سبب می شود که افرادی که قصد ورود به این حوزه دارند با حجم زیادی از اطلاعات و رویکردها مواجه شوند.

در این مجموعه که با عنوان «نقطه های آغاز در مدیریت اسلامی» تدوین شده است، سعی شده تا مروری جامع در گستره رویکردها و نیز زمینه های موجود در حوزه مدیریت اسلامی داشته باشد. لذا برای این هدف پس از مرور و بررسی دیدگاه های مختلف و آشنایی با رویکردهای موجود، سعی شد تا یکی از صاحب نظران آن زمینه یا رویکرد انتخاب شده و با انجام مصاحبه و در مواردی با درخواست مقاله، مهمترین مباحث موجود در آن زمینه یا دیدگاه را ارائه نمایند تا بتوانیم به فضل الهی گستره متنوعی از دیدگاهها و روش شناسی ها را به صورت مدون و جامع بیان کنیم.

این کتاب شامل ۱۷ فصل است که در قالب هفت بخش تدوین و تنظیم شده و هر فصل در قالب یک گفتار یا یک مقاله و نوشتار به بیان دیدگاه یکی از بزرگان این حوزه می پردازد. برخی از فصول کتاب، ماحصل گفتارها و مصاحبه های انجام شده با اساتید بوده و برخی هم بازنشر مقالات و یا بخشهایی از کتابهای آنهاست که ایشان صلاح می دیدند برای بیان نظراتشان در این کتاب استفاده شود. در این هفت بخش سعی شده که یک مرور اجمالی و جامعی از مباحث و حوزه های مطرح شده در مدیریت اسلامی داشته باشیم تا ان شاء الله بتواند یک نقطه آغازی برای حرکت پژوهشگرانی باشد که می خواهند در این زمینه کار کنند.

در بخش اول با عنوان «اسلام و مدیریت»، در قالب چهار فصل به بررسی دیدگاه چهار شخصیت گرانقدر از فضایی حوزوی در زمینه مدیریت اسلامی پرداخته شده است. فصل اول در مورد دیدگاه های آیت الله مهدوی کنی در بحث مدیریت اسلامی است که با عنوان «چیستی، چرایی و چگونگی علوم انسانی اسلامی با تاکید بر مدیریت اسلامی» می باشد. فصل دوم با عنوان «نسبت دین و مدیریت» به بیان دیدگاه های حضرت آیت الله جوادی آملی در حوزه مدیریت اسلامی می پردازد. فصل سوم «مدیریت اسلامی و ضرورت توجه به آن در نظام اسلامی» است که شامل دیدگاه های آیت الله مصباح یزدی در مورد مدیریت اسلامی می شود و نهایتاً فصل چهارم «رویکرد نظام مند به مدیریت اسلامی» است که در واقع دیدگاه های آیت الله هادوی تهرانی در مورد مدیریت اسلامی منعکس شده است.

بخش دوم کتاب با عنوان «پیشینه مدیریت اسلامی در گستره تمدن اسلامی» شامل دو فصل است که به پیگیری مفهوم مدیریت اسلامی در میراث تاریخی ما می پردازد. فصل نخست این بخش به بررسی مدیریت اسلامی در دوران تمدن اسلامی فصل دیگر به بررسی جلوه های مدیریت اسلامی در ادبیات فارسی اختصاص دارد. در این بخش از کتاب که با گفتارهایی از اساتید گرانقدر آقایان دکتر سید علی علوی و دکتر مجتبی امیری تدوین شده، سعی شده به معرفی ظرفیت های موجود در

تدوین و نگارش مدیریت اسلامی از میان منابع تاریخی و ادبی ایران اسلامی پرداخته شود. همچنین سعی شده تا برخی از کتبی که در حوزه تاریخی، تاریخ تمدنی و ادبیات که یک گنجینه فرهنگی برای ما محسوب می شوند و می توان از آنها در تحقیقات مدیریت اسلامی بهره گرفت، معرفی شوند.

بخش سوم کتاب که در حقیقت شامل فصل هفتم و هشتم می شود، به بررسی سیر تلاش های صورت گرفته در زمینه مدیریت اسلامی پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. گرچه قبل از انقلاب اسلامی خیلی کم به این مفهوم پرداخته شده است، اما پس از انقلاب شاهد یک جهشی در توجه به مدیریت اسلامی بودیم. در فصل هفتم بحث «سیر شکل گیری بحثهای نظری مدیریت اسلامی پس از انقلاب اسلامی» صورت گرفته است که برای این فصل گفت وگویی با آقای دکتر رضائیان داشتیم که در این مصاحبه ایشان سیر شکل گیری بحثهای نظری مدیریت اسلامی چه در حوزه پژوهشی و چه در حوزه آموزشی و چگونگی ورود مدیریت اسلامی به مقطع کارشناسی و بعد کارشناسی و دکترای ایجاد مراکز پژوهشی و دانشگاههای با این هدف را تبیین کردند. در فصل هشتم کتاب با عنوان «دانشگاه امام صادق (ع)؛ اولین تجربه آموزش مدیریت اسلامی» در مصاحبه ای با آقای دکتر امامی به بررسی برخی مدل های الگوهای تلفیق که تاکنون در ایران استفاده شده و الگوی اختیار شده توسط نظام آموزشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) برای تحقق علوم انسانی اسلامی پرداخته شده است.

بخش چهارم کتاب که شامل فصول ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ می شود، به روش شناسی پژوهش در مدیریت اسلامی پرداخته است. فصل نهم با نوشتاری از آقای دکتر علی نقی امیری به معرفی رویکردهای موجود در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته است. در فصل دهم روش شناسی پژوهشهای قرآنی در مدیریت اسلامی توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر ولی الله نقی پورفر تشریح شده است. در فصل یازدهم روش شناسی پژوهشهای تاریخی و سیره در مدیریت اسلامی توسط استاد دلشاد تهرانی بیان شده است و در فصل دوازدهم آقای دکتر ابوالفضل گائینی به مساله شناسی در روش شناسی پژوهش های فقهی در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته اند.

بخش پنجم کتاب به بحث آسیب شناسی پژوهش در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته است. عملیاتی شدن این مفهوم چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، یک سری محدودیتهایی داشته است که در این بخش در ذیل دو فصل مورد بررسی قرار گرفته است. در یک فصل (فصل سیزدهم) آقای دکتر چهاردولی مباحثی در زمینه زمینه های مغفول مانده تعامل حوزه و دانشگاه در تولید علم مدیریت اسلامی داشتند و فصل چهاردهم که بحث التقاط و انحراف در پژوهشهای مدیریت اسلامی پرداخته به قلم آقای دکتر پورعزت نگاشته شده است.

بخش ششم کتاب، «مدیریت اسلامی از نظریه تا عمل» است. در این بخش تلاش شده تا دیدگاه های صاحب نظران جهت پیاده سازی مدیریت اسلامی در عرصه واقعی اجتماع و چگونگی گذار از مباحث نظری صرف مورد توجه قرار گیرد. فصل پانزدهم با عنوان «مدلسازی؛ پلی میان سپهر نظر و زمین عمل در عرضه مدیریت اسلامی» است که از دیدگاه آقای دکتر عابدی جعفری استفاده شده و فصل شانزدهم با عنوان «تاملی در بایسته ها و زمینه های اجتماعی گسترش و پیاده سازی دانش مدیریت اسلامی» منعکس کننده دیدگاه های آقای دکتر محمدتقی نوروزی در این زمینه است.

بخش هفتم کتاب با عنوان «مدیریت اسلامی و افقهای پیش رو» شامل فصل هفدهم می شود. در این فصل با عنوان «تاملات آینده پژوهانه پیرامون مدیریت اسلامی»، آقای دکتر گودرزی ضمن بیان دیدگاه های خود در زمینه آینده پژوهی اسلامی، به افق های متصور در زمینه مدیریت اسلامی پرداخته اند.

*کارهای تطبیقی هم انجام داده اید؟ یعنی بین نظریه های مدیریت در غرب و نظریه مدیریت اسلامی تطابقی داشتید؟

واقعیت این است که ما در این کتاب بیشتر تلاشمان این بود که هر آنچه که در حوزه مدیریت اسلامی بوده است را بتوانیم با رعایت امانت گزارش نموده و دیدگاه های بزرگان این حوزه را منعکس و تدوین کنیم. البته این ادعا را نداریم که هر آنچه که بوده را منعکس نموده ایم. در واقع سعی ما این بوده دیدگاه های ارزشمند برخی از بزرگانی که در این حوزه قلم زده اند را در کنار هم در یک مجموعه منسجم قرار بدهیم تا خواننده هم بتواند گستره متنوع از دیدگاهها را در این حوزه بخواند و هم اینکه امکان مقایسه تطبیق را خودش داشته باشد. تمام تلاشمان در این کار، انعکاس دقیق و صحیح دیدگاه افراد بوده و تطبیق و ارزیابی بر عهده خود خواننده خواهد بود.

*ضرورت توجه به مدیریت اسلامی را در چه می بینید؟

اولا توجه به مدیریت اسلامی، یک مطالبه ای است که جامعه دینی از مسوولان دارند. ما یک جامعه دینی هستیم و این موضوع بعد از انقلاب مورد توجه بزرگان بسیاری قرار گرفت. مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی در زمینه مدیریت اسلامی کتاب دارند؛ ایشان

شرحی بر نامه مالک دارند. حضرت آیت الله مکارم شیرازی هم در حوزه مدیریت اسلامی مباحثی دارند و بسیاری از بزرگان ما چه از بزرگان حوزوی و چه از بزرگان دانشگاهی در این زمینه آثار ارزشمندی را از خودشان به جا گذاشته اند لذا اولین ضرورت، اداره اسلامی یک جامعه اسلامی است.

بالاخره ما یک کشور اسلامی هستیم و ارزشهای اسلامی بایستی بر الگوی تصمیم‌گیرندگان حاکمیت داشته و این ارزشها باید در نظام اداری و اداره اجتماع ما حضور داشته باشد و بحمدلله این حرکت تولید علوم انسانی اسلامی از ابتدای انقلاب آغاز شده و الان ما این ثمرات را می بینیم این شاید مهمترین مطالبه ای بوده که همه کسانی که به دنبال پیاده سازی ارزشهای اسلامی بودند داشتند و این یک راهی است که باید برای تحقق آرمان جامعه اسلامی طی کنیم. از سوی دیگر باید توجه کنیم که محتوا و فکر موجود در پس پرده تئوری‌های موجود در حوزه علوم اجتماعی، در جامعه هدف اجرای این تئوری‌ها، اثر مستقیم دارند. در اقع مانند علوم اجتماعی علوم فارغ از ارزشی نیستند که اثری روی روح و روان افراد نداشته باشند و این علوم بطور مستقیم در جامعه تاثیر می گذارند. لذا ما باید دقت داشته باشیم که این علوم از کجا آمده و تغذیه می‌شوند.

*آقای دکتر ما تا چه حد با پیاده سازی مدیریت اسلامی فاصله داریم؟

اینکه بگوییم آیا می‌توان یک شبه تمام نظامهای اداریمان را اسلامی کنیم و تمام رویه هایمان اسلامی شود، پاسخ مشخص است. ساخت نظامهای اداری و اجتماعی چیزی نیست که بتوان یک شبه آن را محقق کرد ولی الحمدلله الان دانشگاههای ما جهت گیری خوب و پرشتابی را به این سمت گرفته اند. ما هر چقدر بیشتر بتوانیم تحقیقات دانشگاهیمان را به این موضوعات اختصاص بدهیم، ان شاء الله می توانیم سریعتر به این هدف خود برسیم.

*آقای دکتر به نظر می رسد که در بعضی از رشته ها مثل همین مدیریت اسلامی در زمینه تولید علوم انسانی اسلامی منابع اسلامی مثل قرآن و احادیث و روایات بهتر و بیشتر در دسترس است، بنابراین زودتر می توان دست به تولید زد. نظر شما در این زمینه چیست؟

حضرت رسول (صل الله علیه و آله و سلم) در مدینه حکومت تشکیل می دهند، امیر المؤمنین (علیه السلام) هم حکومت داشتند و سیره رسول الله (ص) و امیرالمومنین(ع) منابعی ارزشمند و بسیار گرانبهایی برای تولید در حوزه مدیریت اسلامی است. همچنین از آنجا که همه جوامع با مسئله اداره و مدیریت اجتماع از قدیم درگیر بوده اند، این انتظار از علمای جامعه بوده که به این نیاز بر اساس انتظارات امت پاسخ دهند. در جوامع اسلامی نیز علما به این مهم اهتمام داشته اند و به همین سبب ما الان آثار و کتب بسیار متنوع و زیادی در گنجینه میراث مکتوب فرهنگی خود داریم که ضمن استفاده از آیات و روایات، اصول مدیریتی لازم برای اداره جامعه را ارائه نموده اند و همان طور که شما فرمودید مدیریت اسلامی شاید نسبت به سایر رشته های علوم انسانی از این لحاظ غنی تر و امکان استفاده بیشتر از این منابع بیشتر فراهم است.

*این مطالبی که در حوزه مدیریت اسلامی تولید شده است آیا بازتابی هم در جهان خارج اسلام یا غیر از ایران داشته است؟

من سوال شما را این گونه پاسخ بدهم که مدیریت یک علم صرفا نظری نیست مدیریت علمی همراه با کاربرد است و در حوزه حکمت عملی قرار می گیرد. اگر مدیریت را در حوزه حکمت عملی بدانیم لذا تولید نظری تئوریهای مدیریت، اصول و مبانی آن و ارزشهای حاکم بر مدیریت به صورت تئوریک و مطالعات مبنایی و نظری تنها گام اول است. اما در مدیریت، چرخه ای که این مطالعات نظری را کامل می کند این است که دیدگاههای نظری و مطالعات بنیادین خودش را به بوته آزمایش عمل بگذارد یعنی در سطح سازمانها و اجتماعات ما بتواند پیاده سازی شود. بعد از اینکه پیاده سازی و عملیاتی شد آن وقت می شود راهکارهای اجرایی و عملیاتی بیشتری بر اساس مبانی و ارزشهای اسلامی ارائه داد. مدیریت برعکس بسیاری از رشته های علوم انسانی که بیشتر مبانی نظری و فکری دارند، یک پایه و عنصر عملیاتی و اجرایی دارد و همین اجرایی شدن آن کار را برای محقق شدنش دشوارتر می کند. ما باید بتوانیم یک رابطه نظام مند و منظمی بین تولیدات این حوزه و عرصه عملیاتی برقرار کنیم تا این تئوریا به اجرا دربیایند و محدودیتهایی را که داریم شناسایی کنیم و بعد بر اساس آن بتوانیم پیشنهادهای بهبود و رشد را برای سازمانهایمان ارائه بدهیم.

یکی از فصول کتاب حاضر به این موضوع اختصاص دارد و ظرفیت مدل سازی در پیاده سازی مدیریت اسلامی در عرصه اجرایی را بحث می‌نماید.